

## شناسایی و اولویت‌بندی موانع حمایت مالی شرکت‌های خصوصی از ورزش قهرمانی

سیدمهدی سید باقری\*، اسماعیل شریفیان\*\*

\* دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه شهید باهنر کرمان

\*\* استادیار گروه مدیریت ورزشی دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۴/۱۲

### چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی و اولویت‌بندی موانع حمایت مالی شرکت‌های خصوصی از ورزش قهرمانی استان کرمان است. روش تحقیق پیمایشی و تحقیق از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران شرکت‌های خصوصی برتر استان کرمان است (N=۱۵۰). به این منظور، ۱۰۸ شرکت با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌های لازم با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته گردآوری شد. روایی صوری پرسش‌نامه براساس نظر ده نفر از متخصصان مدیریت ورزشی تایید و روایی محتوایی براساس مدل لاوشی CVI=۰/۹۲ محاسبه شد. به‌منظور شناسایی عوامل و بررسی روایی سازه از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. پایایی درونی پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ  $\alpha=۰/۸۲$  به‌دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون t تک‌نمونه‌ای و تحلیل واریانس مکرر استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد ۵۷ درصد از کل واریانس‌ها مربوط به چهار عامل است. نتایج تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که بین تمام موانع با نمره معیار اختلاف معناداری وجود داشت. همچنین، نتایج رتبه‌بندی موانع نشان داد عامل قانونی دولتی مهم‌ترین عامل مانع با میانگین ۳,۷۶ و عامل مدیریت ورزشی با میانگین ۳,۶۸ کمترین عامل مانع در عدم حمایت مالی شرکت‌های خصوصی از ورزش قهرمانی است. بنابراین، تدوین قوانین و آیین‌نامه‌ها برای حامیان مالی ورزش قهرمانی جهت رفع موانع حضور حامیان در ورزش قهرمانی اهمیت زیادی دارد. کلیدواژه‌ها: قانونی- دولتی، بسترسازی حرفه‌ای، مدیریت ورزشی، تبلیغاتی.

## مقدمه

امروزه شرکت‌ها آموخته‌اند که چطور از محیط مناسب ورزش و ورزشکاران استفاده کنند. رایج‌ترین روش برای استفاده از ورزش حمایت مالی بخشی از برنامه‌های ارتقا و ترویج شرکت‌ها است. بیشترین حمایت از ورزش کشور را دولت و منابع مالی دولتی برعهده دارند که به دلیل کاهش سرمایه دولت برای سرمایه‌گذاری در ورزش، پاسخگوی نیاز ورزش کشور نیست (۱). در نتیجه، سازمان‌های مختلف که مسئولیت ورزش کشور را برعهده دارند قادر نخواهند بود با اتکا به بودجه دولتی نیازهای خود را تأمین کنند (۲)، به طوری که در چند سال اخیر مشاهده شده است که بسیاری از تیم‌های ورزشی به دلیل نبود وضع مالی خوب و حامیان مالی از شرکت در مسابقات مختلف ملی و بین‌المللی بازمانده‌اند. بنابراین، سرمایه‌گذاری مؤسسات و شرکت‌های خصوصی در صنعت ورزش بحثی است که سال‌های متمادی در کانون توجه بوده و به طور روزافزون به اهمیت آن افزوده می‌شود (۳). در حال حاضر، مسئله حمایت مالی در اکثر باشگاه‌ها و تیم‌های ورزشی در کشور ما یکی از دغدغه‌های مهم و اساسی مدیران ورزشی است (۴). با این حال، با توجه به وضعیتی که امروزه بر ورزش کشور حاکم است، شرکت‌ها و کارخانه‌های مشهور و پرسرمایه از سرمایه‌گذاری در ورزش خودداری می‌کنند، به طوری که بیشتر تیم‌های ورزشی برخی از استان‌ها و شهرها به دلیل فقدان حامی مالی از شرکت در مسابقات داخلی، ملی و بین‌المللی بازمانده‌اند (۵). بدیهی است که چرخه سرمایه حامیان و ورزش، در صورتی که در تعامل مثبت و اصولی در کنار هم قرار گیرند، باعث رشد و گسترش یکدیگر می‌شوند و به تبع آن موجب درگیر شدن بخش‌های مختلف جامعه و از همه مهم‌تر باعث رشد ورزش کشور و عوامل تولید می‌شوند که در نهایت به اشتغال‌زایی می‌انجامد (۵). شرکت‌ها برای حمایت مالی از بخش ورزش یا هر بخش دیگری دلایل و اهداف خاصی را دنبال می‌کنند که اگر مدیران ورزشی زمینه را برای ورود آنها مهیا کنند، بخش ورزش با حمایت مالی این شرکت‌ها رشد چشمگیری خواهد داشت. موضوع حامیان مالی ورزشی به دلیل تأثیر بسزایی که در توسعه اقتصادی صنعت ورزش داشته است همواره مورد توجه محققان بوده است. گی کو (۲۰۰۴) به نظام اقتصادی کشورها به‌منزله عامل مهم در جذب حامیان مالی برای ورزش اشاره می‌کند و وجود ساختار رقابتی در اقتصاد کشورها را عامل محرک توسعه حمایت مالی از ورزش می‌داند (۶). در صورتی که یافته‌های پژوهشی هودا (۲۰۰۱) مبین آن است که اصل سود پیش‌بینی شده مهم‌ترین عامل جذب حامیان در ورزش است (۷). از سوی دیگر، استرلایز (۲۰۰۵) نقش نمایش تلویزیونی را در جذب حامیان مالی اساسی می‌شمرد و معتقد است هرچه نمایش تلویزیونی و ماهواره‌ای مسابقات ورزشی در سطوح ملی و بین‌المللی وسیع‌تر باشد میزان جذب حامیان مالی بیشتر خواهد بود (۸).

الهی و همکاران (۱۳۸۶) در بررسی موانع توسعه جذب درآمد حاصل از حمایت مالی در صنعت فوتبال ایران موانعی را شناسایی کرد که عبارت‌اند از ۱. موانعی که در ساختار اقتصادی کشور ریشه دارند ۲. موانعی که با صنعت فوتبال کشور مرتبط بوده‌اند ۳. موانعی که به هماهنگی بین‌بخشی و بین‌سازمانی بوده‌اند (۹). سلیمی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «ارزیابی موانع توسعه بازاریابی ورزشی در ایران» موانع توسعه بازاریابی ورزش کشور را در چهار گروه ۱. موانع سیاسی ۲. موانع حقوقی قانونی ۳. موانع علمی، تخصصی و پژوهشی و ۴. موانع فنی مدیریتی و سازمانی طبقه‌بندی کردند (۱۰). احسانی و همکاران (۱۳۸۷) نیز در بررسی علل حمایت نکردن حامیان از ورزش بانوان شهر اصفهان بیان کردند شرکت‌ها به دلیل عدم اطمینان از سرمایه‌گذاری در بخش ورزش بانوان، دست نیافتن به اهداف خود و انتقال ضعیف پیام تجاری شرکت حاضر به سرمایه‌گذاری در این صنعت نیستند (۱۱). به‌هرحال، مروری بر تحقیقات نشان می‌دهد که برخی محققان موانع توسعه حمایت ورزشی را در وضعیت نظام اقتصادی کشورها جست‌وجو کرده‌اند (۶، ۹). برخی دیگر عواملی چون عدم نمایش گسترده تلویزیونی، مدیریت نامؤثر بازاریابی و اعتبار پایین نشان ورزش تحت حمایت را در توسعه جذب حامیان مالی هدف تأکید قرار داده‌اند (۸).

از سال ۱۹۵۰ بهره‌گیری ورزش از رسانه‌های جمعی به‌ویژه تلویزیون سبب اقبال بی‌سابقه جامعه از ورزش شد. در نتیجه، ورزش به‌منزله کسب‌وکار بخشی از جامعه رواج یافت. کسب‌وکار ورزش به مجموعه‌ای از ملازمت سازمانی، حقوقی، اجرایی و مالی نیازمند بود. در برخی جوامع این ملازمت فراهم شد و ورزش به صنعت مبدل شد. از این رو، سهم ورزش در برخی از کشورها به حدود ۲ تا ۳ درصد تولید ناخالص ملی رسید. این دستاوردها سبب شده است که برخی کشورها به توسعه ورزش از منظر توسعه یک صنعت می‌نگرند و آن همچون وسیله‌ای برای رونق اقتصادی امید دارند (۱۲). همچنین، فاکتورهایی که در رشد و توسعه

ورزش اثرگذار هستند و لزوم تحقیق در زمینه حمایت مالی ورزشی را روشن می‌سازند عبارت‌اند از: افزایش تعداد وقایع ورزشی، رشد و توسعه اوقات فراغت، افزایش امکانات، وقایع و شرکت‌کنندگان ورزشی، شناسایی ورزش به‌منزله عامل سلامتی، افزایش حضور و تعداد رسانه‌ها، رشد بازاریابی در صنعت ورزش، افزایش و گسترش کالاها و خدمات ورزشی برای گستره متنوعی از تقسیمات بازار، رشد فرصت‌های سودآور ورزش، رشد تکنولوژی، افزایش خدمات، کالاها و تمرینات ورزشی، افزایش حمایت مالی و سرمایه‌گذاری ورزشی از بین ارتباطات تجارت عمومی، جهانی‌شدن ورزش و رشد بازارهای جهانی ورزش که باعث افزایش سطح مسابقات ورزشی و رقابت بیشتر در این زمینه می‌شود. موضوع حمایت مالی در ورزش مسأله‌ای است که در تمام دنیا با جدیت دنبال می‌شود؛ چرا که در صورت نبود حامیان مالی، ورزش بسیاری از امتیازات خود را از دست می‌دهد، اما متأسفانه در کشور ما فرهنگ بازاریابی و بحث حامیان مالی در ابتدایی‌ترین مراحل خود قرار دارد و به دلیل آشنا نبودن مدیران با این مقوله هنوز زیرساخت‌های لازم برای حمایت مالی شکل نگرفته است، فضای حقوقی برای آن فراهم نشده است، آیین‌نامه‌ها و فرم‌های قرارداد تدوین نشده است، و در یک کلام، هیچ‌کار اساسی‌ای صورت نگرفته است (۲). در دهه‌های اخیر، اغلب دولت‌ها با توجه به کسری بودجه و بحران‌های مالی، به واگذاری بخش‌های دولتی به بخش خصوصی اقدام کرده‌اند. در کشور ایران نیز، طبق اصل ۴۴ قانون اساسی و برنامه چهارم توسعه، دولت موظف است سازمان‌ها و شرکت‌های خود را به بخش خصوصی واگذار کند. بخش‌ها و باشگاه‌های دولتی نیز از این امر مستثنی نیستند و لازم است که باشگاه‌های ورزشی تحت حمایت بخش خصوصی قرار گیرند. بنابراین، باشگاه‌ها و سازمان‌های ورزشی، با توجه به اینکه یکی از راه‌های تأمین بودجه کافی جهت انجام فعالیت‌های ورزشی جذب شرکت‌ها و سازمان‌ها جهت حمایت مالی است، باید بازاریابی و در نهایت جذب حامیان مالی را جزء وظایف مهم خود قرار دهند (۱۲). ادامه حیات باشگاه‌ها و تیم‌های معتبر در اوضاع کنونی بدون پشتوانه مالی و اقتصادی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا ورزش نیز مانند هر طرح ملی دیگر جهت رسیدن به اهداف برنامه‌ریزی‌شده خود به منابع مالی نیاز دارد. این منابع مالی در حال حاضر از روش‌های مختلف نظیر تخصیص اعتبارات دولت در قالب بودجه‌های مختلف تهیه می‌شود، اما این میزان بودجه در مقایسه با دیگر فعالیت‌های دولتی درصد بسیار ناچیزی از منابع را به خود اختصاص می‌دهد (۱۳). بنابراین، سازمان‌های مختلف که مسئولیت ورزش استان را برعهده دارند قادر نخواهند بود با اتکا به بودجه دولتی نیازهای خود را تأمین کنند. از طرفی، با توجه به تأکید دولت بر خصوصی‌سازی در برنامه چهارم توسعه، تمامی باشگاه‌ها برای بقای خود چاره‌ای جز ایجاد درآمد ندارند (۱۴). می‌توان امید داشت که یافته‌های این تحقیق برای دو گروه اهمیت و ضرورت داشته باشد: ابتدا، برای جامعه ورزش و دوم، برای جامعه کسب و کار. بنابراین، محقق بر آن شد تا موانع حمایت مالی شرکت‌های خصوصی در ورزش قهرمانی استان کرمان را شناسایی و سپس آنها را اولویت‌بندی کند. حضور حامیان مالی در ورزش قهرمانی استان کرمان و حمایت مالی از این بخش می‌تواند باعث توسعه ورزش شود که در نتیجه باعث بهبود کیفیت زندگی، تأمین سلامت، نشاط و ارتقای اعتماد به نفس و روحیه نظم‌پذیری افراد می‌شود. ضرورت حضور حامیان مالی در ورزش قهرمانی استان کرمان و حمایت مالی از این بخش به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری دولت در ورزش قهرمانی می‌تواند جایگزین مناسبی برای منابع مالی دولتی باشد. بنابراین، با توجه به وجود موانع در حمایت ورزشی شرکت‌ها از ورزش قهرمانی استان کرمان، جا دارد که این عوامل شناسایی و اولویت‌بندی شود تا مسئولان بتوانند با برنامه‌ریزی دقیق این موانع را مرتفع کنند تا زمینه برای حضور شرکت‌های خصوصی در ورزش قهرمانی استان فراهم شود. بررسی جامع محقق نشان داد که مروری جامع بر موانع حمایت مالی شرکت‌های خصوصی در ورزش قهرمانی استان کرمان صورت نگرفته است. معدود تحقیقات انجام‌شده در ورزش کشور تعداد کمی از موانع را مشخص کرده‌اند، این در حالی است که هنوز مقدار تأثیر هر مانع در عدم گرایش به حمایت مالی نامشخص است. بیشتر تحقیقات در سطوح دیگر ورزش یا در خارج از کشور انجام شده و هیچ تحقیقی در این سطح از ورزش و ورزش قهرمانی استان کرمان انجام نشده است یا محقق به آن دسترسی پیدا نکرده است. بنابراین پرسش اصلی مطالعه حاضر این است که چه موانعی پیش روی شرکت‌های خصوصی برای حمایت مالی از ورزش قهرمانی استان کرمان وجود دارد و اولویت‌بندی این موانع چگونه است. امید است نتایج این تحقیق به اتخاذ سیاست‌هایی برای ترغیب و تشویق شرکت‌های خصوصی به سرمایه‌گذاری در ورزش قهرمانی استان کرمان منجر شود.

## روش‌شناسی

با توجه به ماهیت پژوهش، روش تحقیق از نوع پیمایشی و از نظر هدف کاربردی بود. اطلاعات پژوهش به روش میدانی با استفاده از پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. جامعه آماری پژوهش را کلیه شرکت‌های خصوصی استان کرمان تشکیل داده‌اند که توانایی حامی شدن در ورزش را دارند. برای مشخص کردن شرکت‌هایی که توانایی حمایت مالی از ورزش را دارند با استعلام از اداره صنایع و معادن، ۱۵۰ شرکت برتر استان کرمان انتخاب شدند. براساس جدول مورگان، ۱۰۸ شرکت به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بود. از این تعداد ۱۰۵ شرکت حاضر به همکاری شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته گردآوری شد. برای پی‌بردن به روایی پرسش‌نامه سه نوع روایی تحت ارزیابی قرار گرفت که برای تعیین روایی محتوا از مدل لاوشی (۱۹۷۵) استفاده شد؛ به این ترتیب که پرسش‌نامه اولیه با مقیاس قضاوتی لیکرت با گزینه‌های "ارتباط ندارد تا بسیار مرتبط است" با نمره‌گذاری ۱ تا ۴، همراه با اهداف و فرضیه‌های پژوهش به ده تن از متخصصان مدیریت ورزشی و بازاریابی ورزشی ارائه شد و از متخصصان خواسته شد نظرهای خود را درباب ارتباط گویه‌ها با متغیرها و گویه‌هایی که لازم است اضافه یا حذف شود ذکر کنند گروه کارشناسان و متخصصان دست‌کم باید از چهار تن تشکیل شود (۱۵). همچنین برای کمی‌سازی آرای اعضای گروه متخصص، درصد فراوانی افرادی را که مقیاس "کاملاً مرتبط است یا بسیار مرتبط است" را برای گویه‌ها انتخاب کرده بودند به دست آوردیم که عدد به دست آمده مساوی روایی محتوایی آن سؤال است. درنهایت، برای به دست آوردن روایی محتوایی کل پرسش‌نامه، روایی کل سؤال‌ها را جمع و بر تعداد کل گویه‌ها تقسیم کردیم که روایی محتوایی کل پرسش‌نامه  $CVI=0/92$  به دست آمد. معمولاً در پرسش‌نامه‌ها روایی محتوا باید از ۷۸ درصد بزرگ‌تر باشد تا بتوان به روایی محتوا اطمینان کرد (۱۵). برای تعیین روایی صوری در پرسش‌نامه اولیه، که به ده نفر از متخصصان مدیریت ورزشی و بازاریابی ورزشی ارائه شد، از متخصصان خواسته شد نظر خود را درباب ساختار پرسش‌نامه، غلط‌املائی، نگارشی و ادبی بیان کنند. روایی سازه: برای سنجش این مؤلفه از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد که در طی آن، با استفاده از روش‌های آماری، الگوی همبستگی بین متغیرها اندازه‌گیری و به دنبال آن گروه‌بندی انجام شد. برای سنجش پایایی از روش پایایی درونی استفاده شد. پایایی درونی برای سنجش سازگاری درونی از تعیین ماتریس همبستگی گویه‌ها با یکدیگر و هر گویه با کل پرسش‌نامه و آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. ماتریس ضریب همبستگی برای سنجش بار منفی و مثبت گویه‌ها (همبستگی) به میان آمد و گویه‌های با بار منفی زیاد حذف شد. در این پرسش‌نامه از بین ۳۳ گویه طراحی شده در این مرحله، دو گویه به دلیل داشتن بیشترین بار منفی حذف شد و ۳۱ گویه دارای کمترین بار منفی باقی ماند. ضریب همبستگی گویه‌ها با کل پرسش‌نامه: برای سنجش همبستگی گویه‌ها با کل پرسش‌نامه نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. براساس مطالعات استرینر و نورمن (۱۹۹۲) ضریب همبستگی تک‌تک گویه‌ها با کل پرسش‌نامه باید بالاتر از ۰/۲ باشد تا بتوان به پایایی آن گویه اطمینان کرد (۱۶). در این مرحله، ضریب همبستگی یک گویه کمتر از ۰/۲ بود که از پرسش‌نامه حذف شد. در نهایت، ۳۰ گویه باقی‌مانده از پایایی خوبی برخوردار بودند. ضریب آلفای کرونباخ: این ضریب برای کل گویه‌ها ۰/۸۲ به دست آمد که برای پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته ضریب بالای ۰/۷۰ پایایی پذیرفتن است.

در این پژوهش از آمار توصیفی برای طبقه‌بندی داده‌ها، توزیع فراوانی و محاسبه شاخص‌های پراکندگی مانند میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون تی تک‌نمونه‌ای و تحلیل واریانس مکرر و آزمون تعقیبی بونفرونی در سطح معناداری  $p < 0/05$  با استفاده از نرم‌افزار SPSS20 استفاده شد.

## یافته‌ها

تحلیل عاملی اکتشافی به ترتیب از چهار مرحله تحلیل ابتدایی، استخراج عوامل، گردش و تفسیر تشکیل شده است که در این پژوهش نیز به ترتیب صورت گرفته است. ۱- تحلیل ابتدایی: برای انجام تحلیل عاملی مفروضات و پیش‌فرض‌هایی باید رعایت شود که در این پژوهش پیش‌فرض‌های ذیل تحت بررسی قرار گرفته است: کفایت حجم نمونه: از آزمون KMO<sup>۱</sup> نیز برای تعیین

1. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy

کفایت حجم نمونه استفاده. برای پی بردن به کفایت حجم نمونه KMO باید بالاتر از ۰/۷ باشد. KMO کل این پرسش نامه ۰/۷۷۶ به دست آمد.

کفایت حجم نمونه تک تک گویه ها KFA: برای پی بردن به کفایت حجم نمونه تک تک گویه ها KFA نیز باید بالاتر از (۰/۷) باشد. که در این پرسشنامه برای تمام گویه ها KFA به دست آمده بالاتر از ۰/۷ بوده است. از آزمون بارتلت<sup>۱</sup> برای سنجش همبستگی بین گویه ها استفاده شد. عدد به دست آمده برای گویه ها باید معنی دار باشد تا به همبستگی بین گویه ها پی ببریم. در این پژوهش نتایج آزمون بارتلت برای اکثر گویه ها معنی دار ۰/۰۰۱. به دست آمد (جدول ۱).

جدول ۱. آزمون بارتلت

تقریبی از آماره کای دو	۹۵۱۰/۹۲۷
درجه آزادی	۲۱۰
سطح معناداری	۰/۰۰۱

برای سنجش همبستگی کل، از آزمون دیترمیننت<sup>۲</sup> استفاده شد. عدد به دست آمده از این آزمون باید یک و صفر نباشد که همبستگی کامل و جدا بودن کامل از همدیگر را نشان می دهد. در این پژوهش عدد به دست آمده برای دیترمیننت مساوی با ۰/۳۸۰ است؛ یعنی داده ها نه همبستگی کامل دارند (یک) و نه از هم جدا هستند (صفر).

۲- استخراج عامل: این بخش از آزمون تحلیل عاملی به ما نشان می دهد که ممکن است چند حیطه داشته باشیم. در این قسمت از روش PAF<sup>۱</sup> استفاده شد. این روش عددهای مقدار ویژه<sup>۲</sup> را به ما نشان می دهد. اگر مقدار هر کدام از عددهای مقدار ویژه بالاتر از یک باشد، می توانیم به آن تعداد عامل در پرسش نامه داشته باشیم. در این پرسش نامه مقدار بالاتر از یک برابر با ۴ عدد بود که تعداد عامل های استخراج شده از این پرسش نامه را نشان می دهد (جدول ۲).

جدول ۲. نتایج مقدار ویژه برای استخراج عامل

مقادیر ویژه استخراج عامل پس از چرخش	درصدی از واریانس	ارزش ویژه	شماره
۲۴,۳۲۳	۲۴,۳۲۳	۵,۱۲۲	۱
۳۸/۳۴۷	۱۳/۹۵۵	۲/۹۳۰	۲
۴۸/۱۰۴	۹/۷۵۷	۲/۰۴۹	۳
۵۶/۹۲۶	۸/۸۲۲	۱/۸۵۳	۴

همان طور که نتایج جدول ۲ نشان می دهد، در کل چهار عامل ۵۶/۹۲۶ درصد از کل واریانس ها را شامل می شود.

۳- گردش: برای قابل فهم تر کردن نتایج حاصل از استخراج عوامل استفاده می شود. در این قسمت از تحلیل عاملی از روش ابلیمک از نوع دایرکت ابلیمین<sup>۳</sup> استفاده شد. نتایج حاصل همبستگی هر گویه با فاکتور عامل مربوط به خودش را نشان می دهد و سؤال هایی که ضریب همبستگی آنها با حیطه های مربوط به خود بالاتر از ۰/۴ باشد، به منزله سؤال آن عامل دسته بندی می شود. در ضمن، بار

1. Bartlett's Test of Sphericity

2. Determinant

3. Direct Oblimin

گویه‌ای در دو عامل بالاتر از ۰/۴ باشد آن گویه نیز حذف می‌شود. (۴) تفسیر: با توجه به سؤالاتی که عامل در بر گرفته است عامل‌های مدیریت ورزشی، تبلیغاتی، قانونی- دولتی و بسترسازی حرفه‌ای نام‌گذاری شدند (جدول ۳).

جدول ۳. عامل‌های پرسش‌نامه و تعداد پرسش‌های مربوط به هر عامل

تعداد گویه‌ها	عامل‌ها
۵	عامل قانونی-دولتی
۵	عامل بسترسازی حرفه‌ای
۵	عامل مدیریت ورزشی
۴	عامل تبلیغاتی

به‌منظور بررسی اختلاف میانگین‌ها با نمره شاخص از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای

عدد شاخص = ۳					
موانع حمایت	تعداد	میانگین	اختلاف میانگین	T	سطح معناداری
عامل قانونی - دولتی	۱۰۵	۳/۷۶	۰/۷۶	۱۱/۷۶	۰/۰۰۱
نبود بسترسازی حرفه‌ای	۱۰۵	۳/۷۵	۰/۷۵	۱۲/۲۳	۰/۰۰۱
عامل تبلیغاتی	۱۰۵	۳/۸۳	۰/۸۳	۱۴/۷۷	۰/۰۰۱
عامل مدیریت ورزشی	۱۰۵	۳/۶۸	۰/۶۸	۱۰/۶۲	۰/۰۰۱

نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که بین میانگین موانع حمایت مالی (قانونی دولتی، نبود بسترسازی حرفه‌ای، تبلیغاتی و مدیریت ورزشی) با نمره شاخص (عدد ۳) اختلاف معناداری در سطح  $p < 0/05$  وجود دارد. به‌منظور بررسی اختلاف بین موانع سرمایه‌گذاری شرکت‌های خصوصی در ورزش قهرمانی استان کرمان از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده شد (جدول ۵).

جدول ۵. نتایج آزمون Mauchly's W

اثرهای درون حیطه‌ها	Mauchly's W	Approx, Chi- square	Df	Sig
موانع حمایت ورزشی	۰/۸۸۴	۱۱/۴۴۳	۵	۰/۰۰۱

همان‌گونه که اطلاعات جدول ۵ نشان می‌دهد، فرض برابری واریانس‌ها رعایت نشده است. بنابراین، سطح معناداری در خروجی آزمون Repeated Mesurse Anova خط Greenhouse- Geisser گزارش می‌شود (جدول ۶).

جدول ۶. نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر

موانع حمایت ورزشی	آماره	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
موانع حمایت ورزشی	Greenhouse-Geisser	۲۲۶,۶	۲/۷۸۰	۸۱/۳۲	۱۱۰/۴۱	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول ۶،  $(P=0/001$  و  $F=110/41)$  با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بین موانع حمایت مالی شرکت‌های خصوصی در ورزش قهرمانی استان کرمان اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین، فرض صفر رد و فرض پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۷. نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی دربارهٔ مشخص کردن محل اختلاف‌ها

موانع حمایت مالی	مدیریت ورزشی	بسترسازی حرفه‌ای	قانونی دولتی	تبلیغاتی
مدیریت ورزشی		*۰/۰۱	*۰/۰۱	*۰/۰۱
بسترسازی حرفه‌ای			*۰/۰۱	*۰/۰۱
قانونی دولتی				*۰/۰۱

\*سطح  $(p \leq 0/05)$  تفاوت معنادار است.

با توجه به اطلاعات جدول ۷، بین تمام عوامل اختلاف معناداری در سطح  $p \leq 0/05$  وجود داشت. پس از مشخص شدن اختلاف معنادار بین موانع حمایت مالی شرکت‌های خصوصی در ورزش قهرمانی استان کرمان، به منظور رتبه‌بندی این عوامل از میانگین عوامل استفاده شد (جدول ۸).

جدول ۸. نتایج مربوط به رتبه‌بندی موانع حمایت مالی شرکت‌های خصوصی در ورزش قهرمانی استان کرمان

رتبه‌بندی	انحراف استاندارد	میانگین	عوامل
اول	۰/۶۲	۳/۷۷	قانونی-دولتی
دوم	۰/۵۹	۳/۷۲	بسترسازی حرفه‌ای
سوم	۰/۴۸	۳/۷۳	تبلیغاتی
چهارم	۰/۶۲	۳/۶۸	مدیریت ورزشی

همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، عامل قانونی-دولتی با میانگین ۳/۷۷ مهم‌ترین عامل و عامل مدیریت ورزشی با میانگین ۳/۶۸ کم‌اهمیت‌ترین عامل معرفی شد.

جدول ۹. رتبه‌بندی عامل‌های مانع قانونی-دولتی

اولویت	انحراف استاندارد	میانگین	موانع قانونی-دولتی
اول	۰/۹۵	۴/۰۴	مالکیت دولتی اکثر شرکت‌های تجاری و در نتیجه فقدان ساختار رقابتی در بسیاری از صنایع کشور.
دوم	۰/۹۹	۳/۹۷	خلاءها و ابهامات قانونی
سوم	۰/۹۰	۳/۶۷	عدم نگرش مثبت مسئولان کشور و استان به حمایت مالی از ورزش.
چهارم	۰/۸۳	۳/۶۳	تأمین عمده منابع مالی باشگاه‌های حرفه‌ای توسط نهادهای دولتی به دلیل نوع مالکیت باشگاه‌ها.
پنجم	۰/۹۴	۳/۵۴	نبود نظارت کافی بر اجرای قانون کپی رایت و برخورد با سوءاستفاده‌کنندگان و سود جویان از برند شرکت‌ها و حامیان.

جدول ۱۰. رتبه‌بندی عامل‌های مانع بسترسازی حرفه‌ای

اولویت	انحراف استاندارد	میانگین	موانع بسترسازی حرفه‌ای
اول	۰/۶۱	۳/۹۷	ضعف در اعمال قوانین کاهش مالیات شرکت‌ها در قبال حامی شدن
دوم	۰/۸۳	۳/۸۳	نبود امکانات پیشرفته تبلیغات از طرف تیم‌ها و باشگاه‌های ورزشی.
سوم	۰/۸۸	۳/۶۹	اعتقاد نداشتن مدیران شرکت به تأثیر حامی شدن در افزایش فروش
چهارم	۱/۱۴	۳/۵۷	وقت‌گیر بودن فرایندهای حامی شدن برای شرکت.
پنجم	۰/۷۵	۳/۵۵	فقدان نظام باز اقتصادی، عدم تعامل اقتصادی و درون‌گرایی اقتصاد کشور.

جدول ۱۱. رتبه‌بندی عامل‌های مانع تبلیغاتی

اولویت	انحراف استاندارد	میانگین	موانع تبلیغاتی
اول	۰/۸۵	۳/۹۱	انتقال ضعیف پیام تجاری از طریق حامی شدن.
دوم	۰/۷۷	۳/۷۹	پایین بودن اعتبار آرم و نشان باشگاه‌های ورزشی استان.
سوم	۰/۷۸	۳/۷۸	محبوبیت کم تیم‌های ورزشی استان.
چهارم	۰/۷۵	۳/۴۵	کمبود تعداد تماشاچی‌های بازار هدف شرکت‌ها در ورزش استان.

جدول ۱۲. رتبه‌بندی عامل‌های مانع مدیریت ورزشی

اولویت	انحراف استاندارد	میانگین	موانع مدیریت ورزشی
اول	۰/۹۹	۳/۸۱	عدم بهره‌گیری از مدیران با تفکر و تخصص تجاری و درآمدزایی در ورزش استان.
دوم	۰/۶۵	۳/۷۸	عدم رعایت اصول ارتباطی و انگیزاننده مناسب با حامیان بالقوه توسط بازاریابان تیم‌های ورزشی استان.
سوم	۰/۹۲	۳/۷۲	فقدان استانداردهای مالی و کاری در حوزه ورزش
چهارم	۰/۸۱	۳/۶۴	عدم تدوین طرح‌های راهبردی و عملیاتی بازاریابی در سطوح مختلف ورزش استان.
پنجم	۰/۷۶	۳/۴۳	کمبود آژانس‌ها و متخصصان بازاریابی ورزشی در ورزش استانی عدم بهره‌گیری مناسب از آنها

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که عامل قانونی- دولتی در عدم حمایت مالی شرکت‌های خصوصی در ورزش قهرمانی استان کرمان تأثیر دارد. در این حیطة، مالکیت دولتی اکثر شرکت‌های تجاری و در نتیجه فقدان ساختار رقابتی در بسیاری از صنایع کشور، بااهمیت‌ترین مورد شناسایی شد. این یافته با نتایج تحقیقات ایزدی (۱۳۸۳)، خسرومنش (۱۳۸۸) و ون هردن (۲۰۰۱) هم‌خوانی دارد (۱،۴،۱۵). ایزدی (۱۳۸۳) بیان می‌کند که با توجه به اجرانشدن قانون کپی‌رایت در ایران صنعت فوتبال نخواهد توانست اهداف حامیان مالی را به‌خوبی برآورده سازد، هرچند این موضوع مهم باید در سطح کلان کشور حل و فصل شود تا صنعت ورزش بهره‌کافی ببرد (۱). دابسون (۲۰۰۱) می‌گوید مشکلات قانونی تنها گریبان‌گر صنعت ورزش نیست و صنایع سینما را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. عموماً تمایل حامیان مالی بر آن است تا با پرداخت مبالغی بتوانند به‌صورت انحصاری آرم



یا نشان خود را در عرصه صنعت فوتبال به نمایش بگذارند (۱۸). از سوی دیگر، رضوی (۱۳۸۳) موضوع خصوصی سازی باشگاه‌ها را بررسی کرده و با استناد به موارد قانونی و نتایج تحقیق خود روش‌هایی را برای خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال پیشنهاد کرده است. همچنین، مالکیت دولتی باشگاه‌ها باعث شده است تا ساختاری دولت‌محور، وابسته و غیررقابتی در صنعت ورزش به وجود آید (۱۹). از این رو، لازم است گام‌هایی اساسی در جهت خصوصی سازی باشگاه‌های ورزشی انجام شود. از آنجاکه زیرساخت‌های صنعت ورزش را در بسیاری از کشورها، باشگاه‌هایی تشکیل می‌دهند که به‌منابه کارخانه‌های تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی عمل می‌کنند، این باشگاه‌ها با بهره‌گیری از تجهیزات و امکانات، نیروی انسانی ماهر و متخصص، دانش فنی و فناوری روز، از ورزش صنعتی درآمدزا ساخته‌اند. در حال حاضر، در اروپا باشگاه‌های فوتبال به‌صورت کاملاً حرفه‌ای و خصوصی اداره می‌شوند و این امر بستر لازم را برای جذب حامیان قوی یا حتی پیوستن به بازار بورس فراهم کرده است. با توجه به یافته‌های تحقیق مبنی بر تأثیر مانع قانونی دولتی در حمایت شرکت‌های خصوصی از ورزش قهرمانی استان کرمان، پیشنهاد می‌شود مسئولان قوانین مدونی در خصوص حامیان ورزشی تدوین کنند، و دولت با کاهش سرمایه‌گذاری در ورزش، رقابتی متعادل بین شرکت‌های علاقه‌مند به حمایت از ورزش به وجود آورد.

همچنین، نبود بسترسازی حرفه‌ای، در عدم حمایت مالی شرکت‌های خصوصی در ورزش قهرمانی استان کرمان تأثیر دارد. عدم بسترسازی حرفه‌ای یکی از موانع مؤثر در حمایت شرکت‌ها از ورزش قهرمانی است. همچنین، ضعف در اعمال قوانین کاهش مالیات شرکت‌ها در قبال حامی شدن در ورزش مهم‌ترین مورد این عامل بود. نتایج این پژوهش با یافته‌های عسکریان (۱۳۸۶) و آزادان (۱۳۹۰) هم‌سو است که بسترسازی حرفه‌ای را از عوامل مؤثر بر حمایت مالی اسپانسر‌ها از فوتبال می‌دانند. عدم مشارکت بخش خصوصی در ورزش حرفه‌ای از ضعف‌های ورزش ایران به‌شمار می‌رود. ایجاد زمینه‌ها و تسهیلات مناسب برای ترغیب بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این حوزه اهمیت ویژه‌ای دارد (۲۰، ۳). از آنجاکه ورزش حرفه‌ای ماهیتی خصوصی دارد، برای ایجاد وضع مطلوب، به منظور مشارکت بخش خصوصی و سامان‌دهی ورزش، به بسترسازی بهتر در این زمینه نیاز است. مدیران ورزشی باید با بهبود زیرساخت‌های حرفه‌ای در استان کرمان، زمینه‌های بهبود امکانات را به‌منظور حضور حامیان بالقوه در ورزش استان کرمان فراهم کنند. با توجه به یافته‌های تحقیق مبنی بر تأثیر مانع بسترسازی حرفه‌ای در حمایت شرکت‌های خصوصی، پیشنهاد می‌شود مسئولان ورزش با وضع قوانین مالیاتی مناسب برای حامیان مالی، مانند بخشودگی مالیاتی، زمینه حضور حامیان را در ورزش فراهم کنند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که موانع تبلیغاتی در عدم حمایت مالی شرکت‌های خصوصی از ورزش قهرمانی استان کرمان مؤثر است. همچنین، انتقال ضعیف پیام تجاری از طریق حامی شدن، مهم‌ترین عامل بود. نتایج این پژوهش با یافته‌های تحقیقات ایزدی (۱۳۸۳)، الهی و همکاران (۱۳۸۳)، الهی (۱۳۸۷)، عامری (۱۳۸۸) و شانون (۱۹۹۰) هم‌خوانی دارد. عامری (۱۳۸۸) گزارش می‌کند به‌طورکلی حمایت از ورزش باعث گسترش بازار فروش، و تقویت تصویر محصولات شرکت و افزایش آگاهی مردم از مارک، توسعه آگاهی عمومی، و افزایش میزان فروش کوتاه و طولانی‌مدت محصولات شرکت می‌شود شرکت‌های خصوصی می‌توانند جهت رسیدن به این اهداف از ورزش حمایت و در ورزش خاصی سرمایه‌گذاری کنند (۲۱). شانون (۱۹۹۹) می‌گوید جذابیت ورزش و روی داده‌های ورزشی برای عموم مردم در جهان به‌منابه هدفی تبلیغاتی مورد توجه حامیان ورزشی قرار گرفته است تا از آن برای شناساندن محصولات منحصربه‌فرد و نشان تجاری شرکت خود بهره ببرند. در واقع، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عناصری که موجب پیوند روی داده‌های ورزشی و اقتصاد شده است، تبلیغ به مفهوم روش القای فکر یا اندیشه‌ای است که به‌منظور توسعه و گسترش آن در فرد یا عموم مردم صورت می‌گیرد و حامیان سعی دارند از تمامی پتانسیل‌های موجود در ورزش برای برقراری ارتباط با مخاطبان ورزش استفاده کنند. دلایل احتمالی این هم‌خوانی در بین تحقیقات می‌تواند نبود امکانات تبلیغاتی برای حامیان، پایین بودن سطح و اعتبار تیم‌های ورزشی، عدم پخش زنده مسابقات ورزشی، و نبود دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها در باب تبلیغات حامیان در تمامی سطوح ورزش کشور باشد. بنابراین، بهتر است مسئولان ورزش استان دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌هایی را در راستای اطمینان‌بخشیدن به سرمایه‌گذاری حامیان ایجاد کنند. از طرفی، دیگر با فراهم کردن زمینه تبلیغات مناسب و استفاده از مربیان و ورزشکاران مشهور باعث افزایش تماشاگران ورزشی و بهبود اعتبار باشگاه‌های ورزشی استان شوند. این خود باعث حضور حامیان

و موقعیتی می‌شود که حامیان بتوانند به اهداف دلخواه خود دست یابند و همچنین فضایی ایجاد کنند که تماشاگران ورزشی بیشتر از ورزش استقبال کنند، مانند برگزاری مراسم نمایشی قبل از مسابقات یا اهدای جوایز به تماشاگران ورزشی. مدیران می‌توانند با اتخاذ تدابیری مانند امکان استفاده حامیان مالی از بلیت‌های مسابقات برای تبلیغ امکان استفاده مناسب‌تر حامیان از ورزشگاه‌ها و زمین‌های تمرین برای تبلیغات، باعث حضور حامیان مالی در ورزش استان کرمان شوند.

نتایج تجزیه و تحلیل آماری نشان داد عامل مدیریت ورزشی در حمایت مالی شرکت‌های خصوصی در ورزش قهرمانی استان کرمان مؤثر است. طبق نتایج پژوهش مدیران از تفکرها و تخصص‌های تجاری و درآمدزا در ورزش استان مهم‌ترین مانع شناسایی شد که این یافته با یافته‌های آزادان و همکاران (۱۳۹۱)، دهرتی و موری (۲۰۰۷)، دابسون و گودوارد (۲۰۰۱)، هودا (۲۰۰۱)، سید عامری (۱۳۸۸)، الهی و همکاران (۱۳۸۷)، رابینسون (۱۳۹۲)، و ایزدی (۱۳۹۰) هم‌خوانی دارد. دلایل احتمالی این هم‌خوانی ممکن است وجود مشکلات یکسان در سطوح مختلف ورزش کشور، و استفاده از مدیران غیرورزشی استفاده نکردن از بازاربازان ورزشی در سطوح مختلف ورزش و فقدان استانداردهای مالی و کاری در حوزه ورزش باشد. الهی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای جهت بررسی موانع موجود در توسعه جذب حامیان مالی در صنعت فوتبال ایران نشان داد که مدیریت نامناسب و بهره‌گرفتن مدیران از تفکرها و تخصص‌های تجاری و درآمدزا در صنعت فوتبال از موانع موجود در جذب سرمایه‌گذاری حامیان مالی در صنعت ورزش کشور است (۹). آزادان (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان بررسی راه‌کارهای جذب اسپانسر در فوتبال حرفه‌ای ایران نشان داد که اصلاح ساختار و تشکیلات فوتبال کشور به‌خصوص در سطح باشگاه‌ها و استفاده از مدیران آشنا به اصول مدیریتی و درآمدزایی می‌تواند به افزایش حضور حامیان مالی در صنعت فوتبال کمک کند (۳). فقدان استانداردهای مالی و کاری یکی از موارد مؤثر حیطه مدیریت ورزشی در عدم حمایت مالی شرکت‌های خصوصی از ورزش قهرمانی است که با نتایج تحقیق آزادان (۱۳۹۱)، رابینسون (۱۳۹۲)، هم‌سو است. رابینسون بیان کرده است که حمایت مالی بر این اساس قرار دارد که نیازها و خواست‌های دو طرف قرارداد برآورده شود. بسیاری از مدیران فقط بر نیازهای خودشان متمرکز می‌شوند و بر نیازهای شرکا تمرکز نمی‌کنند. شرکایی که نیازهایشان برآورده نمی‌شود به احتمال بسیار زیاد ارتباط خود را با باشگاه بعد از اتمام قرارداد اولیه ادامه نخواهند داد. بنابراین، مدیران ورزشی باید با توجه کامل به نیازهای شرکای احتمالی و تدوین استانداردهایی که نیازهای آنها را هدف قرار دهد می‌توانند مسائل و مشکلات را در این مشارکت حل کنند و باعث حضور حامیان در ورزش شوند (۲۴). عدم بهره‌گیری از مدیران متخصص ورزشی و بازاربازان ورزشی یکی دیگر از موارد مؤثر در عدم حمایت مالی شرکت‌ها از ورزش قهرمانی است که در جایگاه آخر قرار دارد. با توجه به نتایج این پژوهش، مدیران سطوح بالای کشور باید بیشتر از مدیران ورزشی در ورزش بهره‌گیرند. مدیران ورزشی نیز می‌توانند تصمیمات بهتری درباره حامیان مالی بگیرند و موقعیتی را به وجود آورند تا آنها بتوانند به اهداف خود در محیط ورزش برسند. این کار نیز باعث حضور بیشتر و بهتر حامیان مالی در باشگاه‌های ورزشی می‌شود و باشگاه‌ها می‌توانند از حداکثر توان این حامیان استفاده کنند. بنابراین، مسئولان ورزش استان بایستی از مدیران با تفکر و تخصص تجاری و درآمدزا در ورزش استان بهره‌برند و از آژانس‌های بازاریابی و متخصصان بازاریابی ورزشی در ورزش استان استفاده کنند تا از این طریق به بهینه‌کردن ارتباط بین حامیان مالی و ورزش پردازند و باعث رونق ورزش قهرمانی استان کرمان شوند. این خود باعث ایجاد محیطی شاد و مفرح در جامعه و در بین جوانان خواهد شد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که بین موانع مختلف حمایت شرکت‌های خصوصی از ورزش قهرمانی استان کرمان اختلاف معناداری وجود دارد. مهم‌ترین موانع پیش‌روی حامیان برای حمایت مالی از ورزش قهرمانی استان کرمان به این شرح است: عامل قانونی بیشترین تأثیر را در عدم حمایت مالی شرکت‌های خصوصی از ورزش قهرمانی استان کرمان دارد؛ بعد از آن، عامل بسترسازی حرفه‌ای، و تبلیغاتی و در آخر مدیریت ورزشی قرار دارند. نتایج این پژوهش با تحقیق یزدانی و همکاران هم‌خوانی داشت (۱۳۹۰) که در تحقیق خود با عنوان «موانع حمایت ورزشی شرکت‌ها (خصوصی و دولتی) در استان خراسان شمالی» موانع حمایت مالی را به این ترتیب اولویت‌بندی کردند: مدیریتی-تبلیغاتی، اقتصادی-اجتماعی و در آخر عامل ارتباطی-محیطی (۵). رجبی (۱۳۸۸) موانع حمایت شرکت‌ها از ورزش استان اصفهان را به این ترتیب اولویت‌بندی کرده است: عدم توانایی حمایت مالی در افزایش فروش کالاهای حامیان مالی، ضعف حمایت مالی در گسترش بازار فروش، عدم توانایی حمایت مالی در

ایجاد رقابت مؤثر با شرکت‌های رقیب، موانع اجتماعی- فرهنگی، و موانع اقتصادی که در اولویت‌های بعدی قرار گرفت (۲۳). الهی (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان «موانع موجود در توسعه جذب درآمد حاصل از حمایت مالی در صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران» مهم‌ترین موانع موجود در توسعه درآمدزایی حاصل از حمایت مالی را این‌گونه گزارش کرد: موانعی که در ساختار اقتصادی کشور ریشه دارند، موانع حقوقی و قانونی، مالکیت دولتی باشگاه‌ها، ساختار و نیروی انسانی صنعت فوتبال، مدیریت بازاریابی، برنامه‌ریزی مسابقات فوتبال، امکانات و تسهیلات صنعت فوتبال (۲۱). سلیمی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «ارزیابی موانع توسعه بازاریابی ورزشی در ایران» موانع توسعه بازاریابی ورزش کشور را در چهار گروه: ۱. موانع سیاسی ۲. موانع حقوقی قانونی ۳. موانع علمی، تخصصی و پژوهشی و ۴. موانع فنی مدیریتی و سازمانی طبقه‌بندی کردند (۱۰). امین زارع (۱۳۹۳) در تحقیق خود موانع خصوصی‌سازی صنعت فوتبال را این‌گونه دسته‌بندی کرد: چالش‌های سیاسی حقوقی در رتبه اول قرار دارد که به معنای تأثیرگذاری این عامل در روند خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال است، چالش‌های اجتماعی فرهنگی در رتبه دوم قرار دارد که نشان‌دهنده لزوم فرهنگ‌سازی در این زمینه است و چالش‌های اقتصادی و تکنولوژیک به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند (۲۵). با توجه به تفاوت‌های بین تحقیقات، دلایل احتمالی این اختلاف‌ها می‌تواند تفاوت در جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و ابزار پژوهش باشد. یکی از عوامل اصلی این اختلاف‌ها ممکن است ابزار پژوهش باشد؛ زیرا ابزار گردآوری اطلاعات این تحقیق پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای است که سؤالات آن به وسیله تحلیل عاملی دسته‌بندی شده‌اند. اما در تحقیقات دیگر، محقق پرسش‌هایی را شناسایی کرده و خود آنها را در دسته‌بندی خاصی قرار داده است. با توجه به نتایج تحقیق تدوین قوانین و آیین‌نامه‌هایی برای حامیان مالی و ورزش قهرمانی جهت رفع موانع حضور حامیان در ورزش قهرمانی اهمیت زیادی دارد. ضرورت است مسئولان با فراهم آوردن امکانات تبلیغاتی و برخورد با سوءاستفاده‌کنندگان از برند شرکت‌ها با تدوین قوانین مستحکم کمک ویژه‌ای به ورزش عرضه کنند تا ورزش قهرمانی استان کرمان با حضور حامیان مالی جان تازه‌ای بگیرد.

## منابع

۱. ایزدی علی‌رضا. توصیف عوامل مؤثر بر جذب اسپانسرشیپ شرکت‌های اسپانسر فوتبال حرفه ای ایران پایان نامه انتشار نیافته کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تربیت معلم تهران؛ ۱۳۸۴.
2. Alireza Faed, "strategic assessment of sport sponsorship as a marketing communication tool in electronic industries of Iran", for the degree Master thesis, Tarbiat Modares University, 2006
۳. آزادان مهدی، عسکریان فریبا، رضائی نژاد رحیم. بررسی راه کارهای جذب اسپانسر در فوتبال حرفه ای ایران. مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۳۹۱؛ ۱۳: ۱۳۶-۱۲۳.
۴. خسرومنش رحیم. تجزیه و تحلیل مدیریت حمایت مالی در باشگاه های تهران - با رویکرد تصمیم گیری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران؛ ۱۳۸۸.
۵. یزدانی علی اصغر. ریحانی محمد. اسماعیلی محسن. شبانی محمد. داورزنی ابوالقاسم. تحلیل عاملی موانع حمایت ورزشی شرکت‌ها(خصوصی و دولتی) در استان خراسان شمالی. ششمین همایش ملی دانشجویان تربیت بدنی و علوم ورزشی ایران؛ تهران ۱۳۹۰.
6. GiKoo Y. Sport sponsorship match-up effect on consumer based brand equity: an application of the schematic information process. Unpublished doctoral degree dissertation. Department of sports management, recreation management and physical education. Florida State University. 2004.
7. Huda H Al-Khaja. Investors opinions about sports marketing in Bahrain. The sport Journal. 2001. 4(4).
8. Strelize B. Relationships in sport sponsorship: a marketing perspective. . Unpublished doctoral degree dissertation. Faculty of Management. University of Johannesburg. 2005. 21-45.
۹. الهی علی‌رضا. «موانع و راهکارهای توسعه اقتصادی صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران»، رساله دکتری، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۱۰. سلیمی، مهدی، سلطان حسینی، محمد، نادریان جهرمی، مسعود، ۱۳۹۴، ارزیابی موانع توسعه بازاریابی ورزشی در ایران. مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۲۹، ۱۳-۳۶
۱۱. احسانی محمد، ابودردا زینب، اقبالی مسعود. بررسی علل عدم حمایت اسپانسرها، از ورزش حرفه ای بانوان شهر اصفهان. نشریه علوم حرکتی و ورزش. ۱۳۸۷؛ ۱۲(۱۲): ۱۱۱-۱۲۰.
۱۲. جماعت، خاطره. مقایسه دیدگاه‌های روسای فدراسیون‌های ورزشی و روسای شرکت‌های اسپانسر در مورد اهداف اسپانسرشیپ ورزشی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه غیرانتفاعی شمال، ۱۳۸۶.

۱۳. معماری ژاله. "مدل سازی و تحلیل آمیخته بازاریابی صنعت ورزش کشور (با رویکرد تصمیم محور)", رساله انتشار نیافته دکتری، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۱۴. محرم زاده. مهرداد. مقایسه‌ی شیوه‌های بازاریابی ورزش دانشگاهی کشورهای ایران و ترکیه، پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. ۱۳۸۵؛ ۳۱: ۴۶.
15. Polit DF, Beck CT, Owen SV. "Is the CVI an acceptable indicator of content validity? Appraisal and recommendations." *Res Nurs Health*.(2007), 30(4), P: 459-67.
16. Streiner DL & Norman GR. *Health Measurement Scales. A Practical Guide to Their Development and Use*. Oxford, Oxford University Press,(1992).
17. Van Heerden , Theuns G.Kotze & Johan Bruwer "Media exposure and sponsorship recall", *South African Journal for Research in Sport, Physical Education and Recreation*.2004, 26(2): 1..31-140
18. Dobson, Stephen and Goddard, John "The Economics of Football", United Kingdom, Cambridge University press, First published(2001).
۱۹. رضوی، سید محمد حسین . تحلیل سیاست خصوصی سازی در ورزش کشور با تاکید بر ورزش قهرمانی. دانشگاه تهران ۱۳۸۳.
۲۰. عسکریان فریبا، جعفری افشار. بررسی میزان مبادلات بین المللی کالاهای ورزشی ایران در سال‌های ۷۷ و ۸۰. فصلنامه المپیک. ۱۳۸۶؛ ۱۵، (۴): ۱۰۳-۹۷.
۲۱. الهی علیرضا. "بررسی عملکرد سازمان لیگ حرفه ایی فوتبال جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با سازمان لیگ ژاپن"، رساله انتشار نیافته کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۲۲. سید عامری میرحسین، محرم زاده مهرداد، بشیری مهدی، هادی حمدالله. بررسی موانع جذب حامیان مالی در صنعت ورزش استان آذربایجان شرقی. فراسوی مدیریت. ۱۳۸۸؛ ۳(۱۰): ۱۶۴-۱۶۷
۲۳. رجبی مالک، سلطان حسینی محمد، رضوی محمدحسین، حسینی سیدعماد. نقش رسانه‌ها و تماشاگران ورزشی در جذب سرمایه گذاری بخش خصوصی در ورزش قهرمانی. مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۳۹۰؛ ۱۳: ۱۰۶-۹۳.
۲۴. رابینسون، متیو. (۱۳۹۲)، مدیریت باشگاه ورزشی، ترجمه رحیم رضائی نژاد، مهدی آزادان و مالک آزادان، تهران، نشر علم و حرکت
۲۵. زارع، امین، بابائیان احمدی، علی، مرادی، غلامرضا، حسینی، سید عبدالرسول، ۱۳۹۳، شناسایی و رتبه بندی چالش های موجود در روند خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال کشور براساس مدل PEST، نشریه مدیریت ورزشی دوره ۶، شماره ۴ ص: ۵۹۳-۵۷۵